

ملا مهدی نراقی و حج

سید حسن قریشی کرین*

چکیده

حج، از میان فرایض دین، دارای جایگاهی ویژه و فلسفه و احکام خاصی است و عملی است که عالمان و محققان در مورد ابعاد و مسائل مختلف آن بسیار سخن گفته‌اند. در این پژوهش به ابعاد مختلف حج، از جمله مناسک، احکام، فلسفه و ضرورت، حج و اخلاق، حج و عرفان و دیدگاه تربیتی حج از نظر عالم و عارف نامی ملا مهدی نراقی می‌پردازد. نراقی حج را با عظمت‌ترین ارکان دین و مهم‌ترین عامل نزدیکی بنده به پروردگار و موجب تزکیه نفس می‌داند و از نظر عرفانی حج صفای نفس را بالا می‌برد، کبر و غرور را می‌زداید و روح انسان را جلا می‌بخشد. نراقی نخستین مرحله این حرکت را بیرون آمدن از خود و تعلقات مادی می‌داند و بر این باور است که فرد با بستن احرام از انواع تعلقات مادی و انواع امتیازات و تفاخرات و زخارف رها می‌شود تا حالت فرشته‌گونه پیدا کند. حج، آثار تربیتی عظیمی دارد؛ یکی از این آثار، شناخت و آشنایی مردم با آثار و احادیث رسول الله ﷺ و زنده نگه داشتن و به دست فراموشی نسپردن آنهاست؛ یعنی حج در واقع مروری است بر تاریخ اسلام و پیامبر ﷺ بلکه مروری است بر تاریخ خدا پرستی و تاریخ پیامبران از آدم تا خاتم و تابلویی برای تمام فداکاری‌های قهرمان توحید و پیامبرخاتم که حاجی با دیدن این صحنه‌ها و مکان‌ها پیام می‌گیرد. نراقی حج را به منزله ورود به عالم آخرت می‌داند.

کلید واژه: حج، ملا مهدی نراقی، مناسک، احکام حج، فلسفه حج، اخلاق، عرفان، تربیت.

میقات حج

حج در لغت به معنای قصد و آهنگ کردن است، اما در اصطلاح شریعت، عبارت است از قصد کردن مسلمان مستطیع به سوی خانه خدا، در زمان معین و با انجام اعمال و مناسک مخصوص، تا عبودیت و بندگی خود را در برابر خداوند متعال نشان دهد. مناسک حج یاد آور خاطرات ابراهیم خلیل الله است که همه مادیات و ظواهر را رها می کند و کعبه را برای عبادت خداوند یگانه می سازد تا مرکز وحدت جهانیان شود. بنابراین، حج تجدید میثاق با آرمانهای ابراهیمی است و زائر بیت الله الحرام از همه ظواهر و مادیات دل می کند و با لباس احرام و ظاهری بی آرایش لبیک گویان عازم سرزمین وحی می شود. حج شناخت مذهب ابراهیمی، دلبستگی به معبود حقیقی و گسستن از همه است. حج مسئله مهمی است که انسان را از عالم ماده بیرون می برد و به ملکوت اعلی و عالم روحانی وارد می کند و از خود برتر بینی و تکبر، پاک و تطهیر می سازد. حج از نگاه عرفا و اساتید اخلاق، تعریف و توصیفی زیبا دارد، عارف همیشه جهان را در محضر خدا می بیند و حج را اوج عبودیت آن به شمار می آورد.

ملا مهدی نراقی در رسائل و کتاب اخلاقی خود ضرورت حج را به خوبی تبیین نموده و تأثیرات عبادی و سیاسی آن را برشمرده است. او ضمن بیان احکام و مناسک حج، این عمل را از جنبه اخلاقی، عرفانی و تربیتی مورد بررسی قرار داده است.

الف: زیست نامه و حیات علمی ملا مهدی نراقی

ملا مهدی نراقی در سال ۱۲۲۸ق. در نراق - یکی از روستاهای اطراف کاشان - متولد شد (نراقی، ۱۳۵۱: مقدمه) پدر وی که ابوذر نام داشت و از کارگزاران ساده دولتی بود، نام او را «مهدی» گذاشت (اباذری، ۱۳۷۲: ۱۵). مهدی دوران کودکی و نوجوانی را در روستای نراق سپری کرد و برای تحصیل در مدرسه علوم دینی کاشان به سوی آن دیار روان گردید و از همان روز در پای درس اساتید حضور یافت و یکی از حجره های مدرسه را برای مطالعه و اقامت شبانه روزی خود انتخاب کرد.

نراقی پس اتمام دروس مقدماتی، به حوزه علمیه اصفهان که در آن زمان بزرگ ترین حوزه علمیه ایران بود، مهاجرت کرد و مدت زیادی در آن حوزه ماند و نزد اساتید مبرز و برجسته درس خواند و خود را به قلیل رفیع حکمت و ریاضیات و هندسه و هیئت

و دیگر فنون و علوم نقلی و عقلی رساند. وی به فقه و اصول و فلسفه و دیگر علوم متداول در حوزه‌های علمیه بسنده نکرد بلکه در اکثر علوم و فنون عصر خود به تحصیل و تحقیق پرداخت. ملا مهدی در علوم مختلف؛ از جمله علم هیئت، نجوم و ریاضیات صاحب نظر بود (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹، ص ۳۹۳) و از تحقیقات دانشمندان غربی بهره برده بود. او عالی‌ترین کتب ریاضی را تدریس می‌کرد و بعضی از وی به افضل المهندسين تعبیر کردند. سرانجام علامه محقق، ملا مهدی نراقی، در شب شنبه ۱۸ شعبان ۱۲۰۹ق. در هشتادویک سالگی در شهر کاشان وفات نمود (نراقی، ۱۳۵۱، مقدمه. مدرس تبریزی، ۱۳۶۹، ص ۱۶۴/۶). از او چهار فرزند به نام‌های: ملا احمد، ملا ابوالحسن، ملا اباذر و ملا محمد مهدی به یادگار ماندند (جمعی از مؤلفان، بی تا، ج ۱، ص ۲۹۳).

محقق نراقی در تألیف و تصنیف، ذوق و سلیقه مطلوبی داشت و بعضی از آثار قلمی او را در نوع خود از نوادر به شمار آورده‌اند. آثار تحقیقی او در علوم عقلی و نقلی متجاوز از سی اثر در زمینه اصول، فقه، فلسفه، اخلاق، ریاضیات، هندسه، هیئت، نجوم و ادبیات است (زمانی، ۱۳۸۱، ص ۳۵۹) که این آثار بر تبحر و تخصص محقق نراقی دلالت دارند، که مهم‌ترین آثار قلمی ملا مهدی نراقی عبارت‌اند از:

۱. جامع الافکار و ناقد الأنظار، در زمینه خداشناسی.
۲. قرّة العیون، درباره ماهیت و وجود.
۳. اللّمعات العرشیه، در باره وجود و ماهیت، صفات جمال و جلال مبدأ، کیفیت ایجاد و افاضه و صدور افعال، در نفس انسانی و نبوت و چگونگی وحی و نزول فرشتگان.
۴. اللّمة الالهیه فی الحکمة المتعالیه، در حکمت متعالیه.
۵. کتاب انیس التجار در احکام
۶. مناسک حج انیس الحجاج در مورد مسائل حج و زیارت مراقد شریف پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام.
۷. انیس المجتهدین در احکام.
۸. کتاب توضیح الاشکال به فارسی و در هندسه اقلیدس که درحقیقت ترجمه و شرح کتاب هندسه اقلیدس است.
۹. انیس الموحدین به فارسی در اصول دین نوشته شده و با تصحیح و پاورقی شهید آیت‌الله قاضی طباطبایی و مقدمه استاد حسن زاده آملی به چاپ رسیده است.
۱۰. دیوان اشعار.
۱۱. جامع السعادات و جامع المواعظ در اخلاق (آشتیانی، ۱۳۵۸، صص ۳۵۲-۳۵۱).

مناسک مکیه:

یکی از آثار ملامهدی نراقی در موضوع حج، رساله‌ای است با عنوان «مناسک مکیه» که در اعمال و مناسک حج تمتع است. نویسنده در آغاز این رساله، انگیزه خود از نگاشتن این اثر و نیز علت نامگذاری آن را چنین بیان می‌کند:

«این رساله را بنابر التماس بعضی از برادران دینی جمع نمود در اعمال واجبه؛ حج تمتع، نه قران و افراد؛ زیرا که واجب بر جماعتی که منزل ایشان از شانزده فرسخ بیشتر باشد، حج تمتع است و حج قران و افراد فرض جماعتی است که منزل ایشان در مکه، کمتر از شانزده فرسخ باشد و از برای تمامیت فایده این رساله، قدر ضروری از زیارت پیغمبر و فاطمه و ائمه بقیع علیهم السلام به آن ضم نمود و چون تمام آن در مکه معظمه شد، آن را «مناسک مکیه» مسمی نمودم.» (ورعی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۶). این رساله حاوی دو باب؛ «عمره تمتع» و «حج تمتع» و یک «خاتمه» است:

در باب اول، پنج فصل برای تبیین اعمال پنج گانه عمره تمتع گشوده است. در آغازین فصل باب اول، به بحث احرام پرداخته و در معرفی مواقیت پنجگانه، علاوه بر بیان احکام مربوط به آن، مواضع دقیق آن‌ها را نیز مشخص کرده است. در فصل دوم، مباحث مربوط به طواف را مطرح کرده، برای معرفت و شناخت حد حرم علایمی را مشخص ساخته است. در فصل سوم، به احکام مربوط به نماز طواف پرداخته و در فرض تقیه، نماز طواف با دستان بسته را تجویز نموده است.

فصل‌های فصل چهارم و پنجم را به احکام مربوط به سعی و تقصیر اختصاص داده است. باب دوم حاوی احکام و اعمال حج تمتع است که سیزده عمل آن در شش فصل تنظیم گردیده است. در بخش آداب و مستحبات نیز به بیان حدود مسجد الحرام در عصر نبوی پرداخته و این نکته را یاد آورد شده که مواضع مختلف در مسجد در فضیلت با یکدیگر تفاوت دارند. مصلائی حضرت رسول صلی الله علیه و آله را افضل اماکن مسجد شمرده که میان «رکن یمانی و حجرالأسود، نزدیک به دیوار خانه و موضع سجده نیز متصل به شاذروان است.» در همین بخش بعضی از اماکن متبرکه مکه؛ مانند خانه خدیجه، مولد النبوی، قبر

خدیجه، قبر آمنه، قبر عبدالمطلب و قبر ابوطالب را نیز معرفی کرده است. خاتمه رساله به آداب زیارت پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام و ائمه بقیع عَلَيْهِمُ السَّلَام اختصاص دارد. مؤلف ضمن بیان آداب زیارت، به طور دقیق محل آمد و شد زائران را تشریح کرده است (ورعی، ۱۳۸۱، صص ۱۵۶-۱۵۵).

جامع السعادات

اثر دیگر محقق نراقی که به تفصیل از اسرار و معارف حج سخن گفته، اثر معروف اخلاقی او به نام «جامع السعادات» است. کتابی عظیم و جامع در علم اخلاق برای تهذیب نفس انسانها، دفع صفات رذیله و دفع نفس اماره و تربیت آن است. این کتاب از بهترین و جامع ترین کتاب ها در علم اخلاق و مباحث فوق می باشد. جایگاه عالی و بی نظیر این کتاب در بین مردم به حدی بود که عامه مردم جهت استفاده از آن، که به زبان عربی بود، از فرزند خلف مؤلف احمد بن محمد مهدی تقاضای ترجمه آن را کردند. نراقی در جلد سوم این کتاب، حج را با عظمت ترین ارکان دین و مهم ترین عاملی که بنده را به پروردگار نزدیک می کند و مهم ترین تکالیف الهی و سنگین ترین آنها و دشوارترین عبادات بدنی و برترین آنها شمرده که روایات فراوانی در فضیلت آن در کتب روایی آمده، نقل کرد است.

حج در نگاه ملا مهدی نراقی

الف: ضرورت حج

حج نمایی است از تساوی و برابری، وحدت و یگانگی، چرخش حول یک محور و تمرینی برای پیروزی بر نفس و غلبه بر خواهش های نفسانی و همه این ها به این شرط است که انجام حج، با علم و آگاهی به دستورات خداوند همراه باشد تا مصداق این سخن امام موسی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَام نباشیم که فرمودند: «مَا أَكْثَرَ الصَّحِيحَ وَ أَقَلَّ الْحَجِيحَ!». ملا مهدی نراقی حج را با عظمت ترین ارکان دین و مهم ترین عامل نزدیکی بنده به پروردگار می داند؛ چون این تکالیف الهی از دشوارترین عبادات بدنی است و پاداش

کثیری نیز دارد^۱ (نراقی، بی تا، جامع السعادات، ج ۳، ص ۳۸۳).

او با ذکر حدیثی از پیامبر خدا ﷺ تارک حج را در صورت استطاعت، با کافر یکی شمرده و او را مستوجب عذاب الهی می داند؛ «یا علی! هشت گروه از امت من اهل اسلام نیستند، بلکه کافرند؛ یک دسته از آن‌ها کسانی هستند که مستطیع شوند و حج نکنند.» (نراقی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۶).

از حضرت صادق علیه السلام نیز نقل شده که فرمود: یک نماز واجب بهتر است از بیست حج و یک حج بهتر است از یک خانه که پر باشد از طلا و در راه خدا انفاق کند تا تمام شود. (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۵۰۴، ح ۱۲).

ب: احکام حج از نظر نراقی

۱. احرام

نراقی در رساله مناسک مکیه، در آغازین فصل باب اول، به بحث احرام پرداخته و در معرفی مواقیت پنجگانه، علاوه بر بیان احکام مربوط به آن، مواضع دقیق آنها را نیز مشخص کرده است. به لحاظ معین نبودن اماکن و راهنمایی حجاجی که به صورت پراکنده عازم حج می شدند، نراقی در مباحث دیگر نیز کم و بیش به تعیین حدود و ثغور اماکن توجه نموده است؛ مثلاً: درباره این مطلب که زائر هنگام مشاهده خانه‌های مکه باید تلبیه گفتن را ترک کند، می نویسد:

«مشاهده خانه‌های مکه هنگامی که بر بالای عقبه رود که آن را عقبه مدنیین و عقبه ابوطالب گویند و در پای آن از سمت مکه قبرستان معلّاه و ذی طوی واقع است.» (ورعی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۷).

۱. «اعلم أنّ الحج أعظم أركان الدين، وعمدة ما يقرب العبد إلى رب العالمين، وهو أهم التكاليف الإلهية وأثقلها، وأصعب العبادات البدنية وأفضلها، وأعظم عبادة ينعدم بفقدها الدين، ويساوي تاركها اليهود والنصارى في الخسران المبين. والأخبار التي وردت في فضيلته وفي ذم تاركه كثيرة مذكورة في كتب الاخبار، والأحكام والشرائط الظاهرة له على عهدة الفقهاء، فلنشر إلى الاسرار الخفية، والاعمال الدقيقة، والآداب الباطنة، التي يبحث عنها أرباب القلوب.»

۲. طواف

نراقی در فصل دوّم مناسک مکّیه، مباحث مربوط به طواف را مطرح کرده، برای معرفت و شناخت حدّ حرم علایمی را مشخص ساخته است. در تبیین این مطلب که هنگام شروع طواف، باید جزء اول بدن، محاذی جزء اول حجرالأسود باشد، به تناسب اطلاعاتی را در خصوص حجرالأسود ارائه کرده، می‌نویسد:

«حجرالأسود در ازمنه سابقه شکسته شده است و حال هفده یا هیجده سنگ سیاه است که به یکدیگر وصل نموده‌اند و بر اطراف آن لاک ریخته‌اند و اطراف لاک را نقره گرفته‌اند و در سنه ۱۱۸۸ ق. که فقیر به زیارت بیت الله شرفیاب گردید، در روز ۱۴ ذی‌حجه سال مذکور، دو تنگه نقره، که اطراف آن مطلقاً است، بر در حجر نصب نموده‌اند؛ به نحوی که همه نقره‌های سابق را و اکثر لاک‌ها را پوشانیده، لیکن قلبی از لاک‌ها که متصل به ابتدای اجزای حجر است، ظاهر است و بر بالای تیک‌های نقره صُرب ریخته‌اند... چون یافتن جزء اول حجرالأسود مشکل است، باید علامتی در زمین پیدا نمود که برابر جزء اول حجر باشد... البته هم اکنون که خطی تیره رنگ محاذی حجرالأسود بر سنگفرش‌های مسجدالحرام نقش بسته، مشکلی از این جهت وجود ندارد. اما در گذشته که از اینگونه علایم خبری نبود، فقها به منظور راهنمایی مردم به بیان چنین نکاتی هم عنایت داشته‌اند.» (همان).

نراقی در فصل سوّم رساله مناسک مکّیه به احکام مربوط به نماز طواف پرداخته و در فرض تقیّه، نماز طواف با دستان بسته را تجویز نموده است.

۳. حج با مال حلال

کسی که راهی خانه خدا می‌شود، باید بکوشد هزینه حج را از راه حلال به دست آورد ولی طبق نظر نراقی «هرگاه حج بر کسی واجب شود، از مال حلال خود و به مال دزدیده شده یا مال غصبی و یا مطلق مال حرام حج بگزارد، حج او صحیح و از عهده و جوب حج برآمده است، مگر اینکه مشغول الذمه صاحب مال خواهد بود؛ یعنی ذمه او از حق الله بری و خلاص شده و به حق الناس گرفتار خواهد بود.» (نراقی، ۱۳۸۳، ص ۳۹). حضرت صادق علیه السلام فرمود: «هر گاه کسی مالی را از غیر کسب حلال به دست آورد، و با آن حج کند و لَبِیک گوید، ندا رسد: لا لَبِیک و لا سعَدیک! و اگر از حلال باشد،

خطاب آید: لَبَّيْكَ و سعديك»^۱ و فرمود: «اثر كسب حرام در فرزندان و ذرّيه نمودار مي شود» (نراقی، جامع السعادات، بی تا، ج ۲، ص ۲۲۱). و این نظر مورد اتفاق بزرگان دین است که اگر کسی به قصد حج بیرون آید و همراه او کالا برای تجارت باشد، حجّش صحیح و دارای ثواب است، با اینکه سفرش خالص برای حج نیست، دلیلش این است که تجارت برای کسب روزی است و این خود عبادت است. (همان)

۴. نمازهای طواف

نماز طواف از نمازهای واجب ده گانه است و درست نبودن تلفظ حمد و سوره ممکن است به بطلان حج نیز منجر شود:

«مخفی نیست که غالب مردم در این اعصار، حمد و سوره و دیگر زکراهای واجب نماز را درست ادا نمی کنند و با وجود قدرت بر تصحیح آن، سعی در یاد گرفتنش نمی کنند و این معنا باعث بطلان نماز ایشان، بلکه باعث بطلان حجشان نیز می شود؛ زیرا که دو رکعت نماز طواف، از ارکان حج است و همین که درست اقامه نشود، حج هم فاسد است.» (نراقی، تحفه رضویه، ۱۳۸۴، ص ۳۷۹).

۵. وکالت در امور حج

ملا مهدی نراقی وکالت در حج را جایز ندانسته، می نویسد:
«بدان که جایز نیست وکالت در هر امری که غرض شارع تعلّق گرفته باشد که آن امر را مکلف خود به جا آورد؛ مثل طهارت گرفتن با قدرت؛ خواه وضو باشد و خواه غسل و مثل نماز کردن و روزه گرفتن و حج کردن.» (همان، ص ۳۴۷).

۶. روزه در حج

حاجی با توجه به این که مسافر است و نمی تواند روزه بگیرد ولی در سه مورد می تواند روزه واجب بگیرد؛ به عبارتی، سه روز استثنا شده است که در سفر می توان روزه گرفت:
اول؛ سه روز روزه بدل هدی در حجّ تمتّع.

۱. «إِذَا اكْتَسَبَ الرَّجُلُ مَالًا مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ ثُمَّ حَجَّ فَلَبَّى، نُودِيَ لَا لَبَّيْكَ وَلَا سَعْدِيكَ، وَإِنْ كَانَ مِنْ حِلِّهِ فَلَبَّى، نُودِيَ لَبَّيْكَ وَسَعْدِيكَ!»

دویم؛ هیجده روز بدل نحر، از برای کسی که قبل از غروب آفتاب روز عرفه، به عمد از عرفات کوچ کند و عاجز باشد از نحر لله.

سیم؛ روزه نذر معین، هر گاه در نذر، به خصوص سفر را قید کرده باشد، به این نحو که نذر کرده باشد که فلان روز را روزه بگیرد در سفر و حضر. اما هر گاه مطلق نذر کرده، به این نحو که نذر کرده باشد که فلان روز را همیشه روزه بگیرد و به خصوص سفر را ذکر نکرده باشد، لازم نیست که آن روز را در سفر روزه بگیرد (نراقی، تذکرة الأجاب، ۱۳۸۳، ص ۱۱۶). روزه روز عرفه از روزه‌های مکروه است. (همان، ص ۱۰۶)

۷. اذان در حج

در چند موضع است که اذان ساقط است؛ از مواضع سقوط اذان، نماز عصر روز عرفه است. در عرفات، برای حج گزاران و در سایر مواضع و بلاد از برای سایر مردمان و نماز خفتن است در مشعر الحرام از برای اهل حج. و حق آن است که سقوط اذان در این موضع به جهت خصوصیت بقعه عرفات و مشعر نیست، بلکه به جهت جمع است (نراقی، تحفه رضویه، ۱۳۸۴، ص ۳۴۴).

۸. صحت قرائت حمد و سوره

صحت قرائت از شرایط قبولی حج است:

«مخفی نیست که غالب مردم در این اعصار، حمد و سوره و سایر انکار واجب نماز را درست نمی‌دانند و با وجود قدرت بر تصحیح آن، سعی در یاد گرفتن آن نمی‌کنند و این معنا باعث بطلان نماز ایشان، بلکه باعث بطلان حج ایشان نیز است؛ زیرا که دو رکعت نماز طواف، از ارکان حج است و همین که درست نباشد، حج هم فاسد است. پس بر اهل ایمان و شیعیان اهل بیت حضرت سید الأنام لازم است که در این باب سعی کنند تا حمد و سوره و سایر انکار واجبه نماز را درست نمایند که تارک الصلاة نباشند» (همان، ص ۳۷۹).

۹. خمس پول حج

اگر هزینه سفر حج واجب، از منافع همان سالی است که می‌رود و از منافع همان سال مستطیع شده باشد، هزینه سفر حج وضع می‌شود و داخل مؤننت است و نیازی به

خمس سال ندارد (نراقی، تذکره الأحاب، ۱۳۸۳: ۲۸۶) مثل این که فرض کنیم که کسی که به صد تومان مستطیع است، در بین سال صد تومان منافع به جهت آن هم رسید و در بین همان سال سفر حج کرد، پس باید اخراجات سفر را وضع کند، هرگاه چیزی زیاد بیاید از آن بقیه، خمس بدهد. و اگر از منافع همان سال مستطیع نشده باشد، بلکه از منافع چند ساله مستطیع شده باشد، مثل اینکه سالی ده تومان از اخراجات آن فاضل آمده باشد و جمع شده باشد تا سال دهم صد تومان شده باشد، در این صورت باید خمس مجموع آنچه در سالهای سابق زیاد آمده بدهد (همان).

آنچه از منافع آن سالی که در بین آن به حج می‌رود، خرج می‌کند، خمس ندارد، مگر هرگاه در آخر آن سال برود که در این صورت باید خمس آن را نیز بدهد. و اگر کسی مستطیع شود و در آن سال نرود و در سال بعد برود، در این صورت باید خمس مجموع آنچه در سال سابق از خرج سالیانه زیاد آمده و به جهت آن مستطیع شده بدهد (همان).

حج و اخلاق از نظر نراقی

نراقی حج را موجب تزکیه نفس و مهم‌ترین راه تکامل اخلاقی می‌داند. او در کتاب «جامع السعادات» توصیه‌های جدی اخلاقی به حجاج دارد و معتقد است هرکس آهنگ حج کند، باید اموری را که در پی می‌آید رعایت کند:

۱. نیتش را برای خدا خالص گرداند و هیچ غرض دنیوی را در آن وارد نسازد، فقط برای امتثال امر الهی عازم حج شود.
۲. به درگاه الهی توبه کند؛ توبه‌ای خالص و حقیقی و خود را برای سفر آخرت مهیا سازد.
۳. عظمت بیت و صاحب بیت را در نفس خود به یاد آورد و بداند که ترک خانواده و وطن و مفارقت از دوستان و شهر و دیار، برای امر مهمی است؛ سفری که با همه سفرهای دنیا تفاوت دارد. توجه کند که به زیارت چه خانه‌ای می‌رود و صاحب این خانه کیست؟
۴. قلب خود را از هر آنچه آن را مشغول می‌سازد، خالی کند و خود را متوجه خدا و سفر آخرت نماید.
۵. سعی کند که توشه سفرش از مال حلال باشد. در این سفر زیاد انفاق کند.

۶. خُلق خود را نیکو گرداند و به نیکی سخن بگوید و بر تواضعش بیفزاید. همسفر خوبی برای زائران دیگر باشد.
۷. در این سفر سادگی را پیشه سازد. از زینت دنیا پرهیزد و از فخر فروشی و خودنمایی دوری کند. (نراقی، علم اخلاق اسلامی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۴۸۲).

حج و عرفان از نگاه نراقی

عبادات، که آن را هدف آفرینش انسان شمرده‌اند (ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون) (ذاریات: ۵۶)، اسراری دارد که آن، غیر از آداب و احکام ظاهری عبادات است. عبادات و فرائض الهی با اختلاف درجات فراوانی که نسبت به هم دارند، برای تقویت بُعد روحانی و نفسانی و در جهت سیر و سلوک انسان وضع شده‌اند تا از عوالم جسمانی به عوالم روحانی تکامل یابند و به مقام قرب الهی برسند.

از این رو، خداوند متعال هم برای فراهم شدن این سیر بندگی و رسیدن به مقام قرب و حضور الهی و زیارت کعبه حقیقی، به حضرت ابراهیم خلیل الرحمان و اسماعیل ذبیح الله مأموریت دادند که حریم خانه‌اش را از هر چیزی که مانع این سیر و سلوک معنوی باشد، پاکسازی نمایند (بقره: ۱۲۵) تا زائران الهی در خانه‌اش تنها به او بیندیشند و پیرامون او طواف نمایند و از ظلمت ماسوی الله رهایی یابند تا بتوانند در خانه عشق میهمان او شوند و آماده ملاقات با یگانه معبود عالم هستی گردند؛ چنان که همین مأموریت با همین هدف در سوره حج، به گونه‌ای روشن تر و دقیق تر بیان شده است.

حج در نگاه عرفانی ملا مهدی نراقی، دارای جایگاهی والا است. نراقی در باره هدف از خلقت شناخت خدا و حج را نشان بندگی و رقیّت می‌داند و این عبادت از دیگر امور عبادی افضل است. او می‌نویسد:

«از میان عبادات، حجّ مشتمل بر همه این امور است با زیادتی؛ زیرا در آن است ترک وطن و مشقّت بدن و بذل مال و قطع آمال و تحمّل مشقّت و تجدید میثاق الهی و طواف و دعا و نماز. یا اشتغال آن به اموری است که: مردمان به آنها انس نگرفته‌اند و عقول، سر آنها را نمی‌فهمند؛ مثل: زدن سنگریزه، و هروله میان صفا

و مروه؛ زیرا به امثال این اعمال کمال بندگی و غایت ذلت و خواری ظاهر می‌شود؛ زیرا که سایر عبادات، اعمالی هستند که بسیاری از عقول، علت آنها رامی‌فهمند و به این جهت طبع را به آنها انس، و نفس را میل حاصل می‌گردد و اما بعضی از اعمال حج، اموری است که: عقول امثال ما راراهی به فهمیدن سر آنها نیست. پس به جا آوردن آنها نیست مگر به جهت محض اطاعت امر و بندگی مولای خود. و در چنین عملی اظهار بندگی بیشتر است؛ زیرا بندگی حقیقی آن است که: در فعل آن سببی به جز اطاعت مولا نباشد بنده‌ایم و پیشه ما بندگی است.» (نراقی، علم اخلاق اسلامی، ۱۳۷۷ ج ۳، ص ۴۸۹)

«...اجتماع در چنین موضعی مکرم [مکه و عرفات] با وجود اینکه باعث حصول الفت و مصاحبت مردمان و رسیدن به خدمت خوبان که از اطراف عالم به جهت حج می‌آیند و سرعت اجابت دعوات است، موجب یاد آمدن پیغمبر ﷺ و بزرگی او و سعی و اهتمام او در ترویج دین الهی و نشر احکام خدایی می‌شود و این سبب رقت قلب، و صفای نفس می‌گردد.» (همان).

پس مهم‌ترین فواید حج از نظر نراقی با دید عرفانی، عبارت‌اند از:

۱. حج موجب شناخت خداوند و عامل وصول به مرتبه محبت و انس به اوست.
۲. در حج یاد خداوند و عظمت او مدام در اذهان باقی و جاری است و این توجه، بعد عرفانی انسان را بالا می‌برد.
۳. حج بر نماز و روزه و خمس و زکات برتری دارد؛ چون حج صفای نفس را بالا می‌برد و به علت سختی عبادات و هزینه کردن مال و ثروت بیشتر دل را متوجه خدا می‌سازد.
۴. برخی اعمال حج؛ مانند زدن سنگریزه و هروله میان صفا و مروه، کبر و غرور را از بین می‌برد.
۵. حج راز بندگی و رقیق است و اظهار بندگی در آن کامل‌تر است.
۶. با حج است که انسان در مهبط وحی و محل رفت و آمد فرشتگان گام می‌نهد و روح آدمی با این کار جلا می‌یابد.
۷. عرفات حج، عرفان حاجی را بالا می‌برد. پس انسان عارف باید جهان را حرم خانه خدا بداند و از آزردهن هم نوع خود و دیگر موجودات پرهیزد.

بنابراین، حاجی از همان اول که نیت حج می‌کند و از خود و خانه و کاشانه و همه تعلقات مادی جدا می‌شود تا احرام و طواف انجام دهد و سعی و رمی و هدی کند، همه جا خدا را می‌جوید و در طلب وصال او شب و روز آرام ندارد؛ این سو و آن سو می‌رود و در

کوه و بیابان سرگردان می شود تا در میهمانسرای الهی، آیات روشن الهی را با چشم سر و چشم جان مشاهده نماید و با سعی و تلاش، همچون هاجر چشمه‌ای از معرفت برای او گشوده شود. پس، هر کس که قصد سفر الی الله نمود، باید از ابتدا از هرگونه اموری که با این سفر ضدیت دارد، دوری جسته و دل را فقط متوجه خدا نماید.

آری، شرط نخستین این سیر، بیرون آمدن از خود و تعلقات مادی است و جهت تحقق عملی آن از لحظه اول احرام، باید از انواع تعلقات مادی و انواع امتیازات و تفاخرات و زخارف، حتی از کفش و کلاه رها شود، تا حالت فرشته‌گون پیدا کند و فقط با دو تکه پارچه پاک و حلال با رمز مخصوص، جواز عبور برای میهمانی و ملاقات با ربّ الارباب بگیرد؛ از این رو، لحظه جواز عبور گرفتن، بسی حساس و سرنوشت‌ساز است، که اولیاء الله در موقع گفتن لبیک، تغییر رنگ داده، می‌گریستند که نکند جواز عبور به آن‌ها داده نشود! و چنان که امام صادق و امام سجاد علیهما السلام در این لحظه به حالت غشوه افتادند. وقتی علت را پرسیدند، فرمودند: چگونه جرأت کنم که بگویم «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» در حالی که می‌ترسم لبیک (خدایا! آمدم) بگویم، اما جواب آید که من آمدن تو را قبول ندارم (ملکی تبریزی، ۱۳۶۳، ص ۲۰۴).

آثار تربیتی حج از نگاه نراقی

موسم حج، علاوه بر تقویت حالات معنوی، از مناسب‌ترین ایام برای مبادله فرهنگی و انتقال ارزش‌ها در میان مسلمانان جهان است و آثار و برکاتی از این راه نصیب اسلام و مسلمین می‌گردد و رشد و شکوفایی زائران خانه خدا را فراهم می‌آورد. بزرگ‌ترین و مهم‌ترین اصل تربیتی که در ایام حج به حاجی منتقل می‌گردد، فرهنگ توحید خالص ابراهیمی - محمدی صلی الله علیه و آله است. حج آثار تربیتی عظیمی دارد؛ یکی از این آثار، شناخت و آشنایی مردم با آثار و احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله و زنده نگه داشتن و به دست فراموشی نسپردن آن‌هاست؛ یعنی حج در واقع مروری بر تاریخ اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله بلکه مروری بر تاریخ خدا پرستی و تاریخ پیامبران از آدم تا خاتم صلی الله علیه و آله است و تابلویی برای تمام فداکاری‌های قهرمان توحید و پیامبر خدا است که حاجی با دیدن این صحنه‌ها و مکان‌ها پیام می‌گیرد. از سوی دیگر، ایام حج فرصتی است بسیار مناسب برای تبلیغ فرهنگ اصیل اسلام

در میان قشر وسیع و قابل توجهی از مسلمین که از اطراف و اکناف عالم در این نقطه اجتماع کرده‌اند و اصولاً از مقدمات اولیة حج تعلّم بسیاری از مسائل اسلامی است که به نوبه خود به علمای متعهد اسلام امکان می‌دهد تا از استقبال مردم برای تعلیم و ارشاد و نشر فرهنگ غنی اسلام استغنا نمایند.

حج در واقع آموزشگاهی است که هر سال دایر می‌گردد و مؤسس آن خداوند منان و اساتید آن انبیا و پیشوانان معصوم و علمای متعهد اسلام‌اند که معارف اصیل و ناب را به کام تشنگانی که از سراسر عالم در این مکان گردهم آمده‌اند، می‌ریزند. حج یکی از مطمئن‌ترین راه‌های شناخت خود است و هر کس خود را بشناسد خدای خود را به خوبی می‌شناسد.

محقق نراقی از این دیدگاه آثار حج را بررسی نموده و حج را به منزله ورود به عالم آخرت می‌داند. او در رساله‌ای به برخی فواید تربیتی حج اشاره دارد که مهم‌ترین این فواید عبارت‌اند از:

۱. حج، تمرین سفر از عالم دنیا به عالم آخرت است؛ «آدمی چون به قصد حج از وطن بیرون رود و رو به خانه خدا آورد، باید متذکّر گردد بیرون رفتن خود را از دنیا و گرفتاری به گذشته‌های عالم برزخ و محشر، تا ملاقات حضرت داور» تنهایی راه و جدا شدن از خانواده و بستن سفر به دور از خانواده یادآور تنهایی قبر است؛ «و از تنهایی راه، یاد تنهایی قبر کند و از تشویق قطع الطریق و درندگان صحرا، یاد هول موزیات عالم برزخ نماید.»

۲. پوشیدن لباس احرام، یاد لباس مرگ که همان کفن است را تداعی می‌کند؛ «و چون میقات رسد و جامه احرام پوشد، به فکر پوشیدن کفن افتد و یاد آورد زمانی را که: به کفن خواهند پیچید و با آن جامه به حضور پروردگار خواهند برد؛ زیرا جامه احرام، شبیه کفن است.»

۳. با بلند شدن صدای تلبیه مردم، یاد نفخ صور باشد «و چون صدای مردمان به تلبیه بلند گردد، متذکّر شود که این اجابت ندای پروردگار است که فرمود: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا...﴾ خلاصه معنا آن که: «ندا کن مردمان را که به حج حاضر شوند.» (حج: ۲۷). و از این ندا به یاد نفخ صور و بر آمدن مردم از قبور افتد که کفن‌ها در گردن به عرصات قیامت ایشان را می‌خوانند.

۴. ورود به خانه خدا را در حکم ورود به حرم امن الهی در تمام زندگی خود بدانند و زندگی در حرم امن که با دوری از گناه و اطاعت دستورات الهی میسر است، برای خود به توشه ببرد؛ «و چون داخل مکه شد، به فکر افتد که: حال، داخل حرمی گردید که هر که داخل آن شود در امن و امان است و امیدوار شود که: به این واسطه از عقاب الهی ایمن گردد و دل او مضطرب باشد که: آیا او را قبول خواهند کرد و صلاحیت قرب حرم الهی را خواهد داشت یا نه، بلکه به دخول حرم، مستحق غضب و راندن خواهد شد و از اهل این مضمون خواهد بود:

به طواف کعبه رفتم، به حرم رهم ندادند که تو در برون چه کردی که درون خانه آبی

۵. طواف کعبه را همانند طواف دل تلقی کند و حجر الأسود را به منزله دست خدا قلمداد نماید و بوسیدن آن را نوعی پیمان بندگی با خالق خود بداند «و بداند که: مقصود کلی، طواف دل است به پروردگار خانه. پس ابتدا و ختم طواف را به یاد او کند و روح طواف و حقیقت آن، طواف دل است در حضرت ربوبیت. و خانه، مثال ظاهری است در عالم جسمانی. و خانه در عالم ملک و شهادت نمونه‌ای است از حضرت ربوبیت در عالم غیب و ملکوت و آنچه رسیده است که: بیت المعمور در آسمان در مقابل خانه کعبه است و طواف ملائکه بر آن چون طواف بنی آدم است بر کعبه (نراقی، بی تا، ج ۳، ص ۳۹۳).

۶. ورود به خانه کعبه را به منزله ورود به بهشت دانست و بوسیدن خانه خدا نوعی پیوند با جانان دانست؛ چنان که پیامبر ﷺ فرمودند: «رکن یمانی دری است از درهای بهشت که از روزی که گشوده شده است، هرگز بسته نشده است.» (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۲۰). و باید قصد آدمی در وقت بوسیدن ارکان و چسباندن خود به مستجار بلکه هر جزئی از خانه، طلب قرب باشد از راه محبت و شوق به خانه و صاحبخانه و تبرک جستن باشد به رسیدن بدن به خانه و امید داشتن به اینکه: به این وسیله بدن او از آتش جهنم محفوظ بماند. و چون چنگ در دامن خانه کعبه زند تبت آن کند که: دست در دامن خدا آویخته و طلب مغفرت و امان می کند مثل تقصیر کاری که دست در دامن بزرگی زند. و چنان قصد کند که: دیگر مرا ملجأ و پناهی نیست و به جز عفو و کرم تو، راه به جایی ندارم و دست از دامن خانه تو بر نمی بردارم تا مرا ببخشی و مرا امان عطا فرمایی.

۷. گردیدن به گرد خانه خدا و سعی میان صفا و مروه را باید تمرینی التجا از درگاه احدیت شمرد و «... و چون از عرفات برگردد و دوباره داخل حرم شود، از اینکه خدا

باز او را اذن دخول حرم داده، تفؤل زند که خدا او را قبول فرموده و خلعت قرب بر او پوشانیده و از عذاب خود، او را ایمن سازد و چون به منا آید و متوجّه رمی جمرات گردد، یت او از رمی جمرات، بندگی و قصد امتثال امر الهی باشد و خود را متشبّه کند به حضرت خلیل الرحمان در وقتی که در این مکان، شیطان بر او ظاهر گردید. پس خدای - تعالی - او را امر فرمود که: آن لعین را با سنگ ریزه براند و چنان قصد کند که سنگ ریزه‌ها را بر روی شیطان می‌اندازد و پشت او را می‌شکند و چون ذبح قربانی کند، یاد آورد که این ذبح، اشاره به آن است که به سبب حجّ بر شیطان و نفس امّاره غالب گشتم و ایشان را کشتم و از عذاب الهی فارغ گشتم. پس در آن وقت، سعی کند در توبه و بازگشت از اعمال قبیحه که سابق مرتکب بود تا در این اشاره صادق باشد و فی الجملة شیطان و نفس امّاره را دلیل کرده باشد و از این جهت رسیده است که: علامت قبول حجّ، آن است که: حال آدمی بعد از حجّ، بهتر از سابق گردد.» (نراقی، بی تا، ج ۳، ص ۳۹۶).

چگونگی انجام مناسک از نظر نراقی

احرام در میقات

حج، نمایی عظیم از وحدت جامعه اسلامی است. هر مسلمانی موظف است با رها شدن از همه قید و بندها و پیوندهای زندگی و پرهیز از همه روزمرگی‌ها، در این نمایش عظیم شرکت کند. همه آنچه را که رنگ و نشان است، از خود بزدايد و از همه مرزهای خیالی و پوچ نظام‌ها و طبقات و برتری‌جویی‌ها بگذرد و در ترازوی میزان حج، یک رنگ و سراپا پاک و سفیدپوش قرار گیرد و در صحنه باشکوه حج ابراهیمی، با تمام وجود تجسم بخش خاطره ابراهیم، هاجر و اسماعیل باشد تا در زمانه خود نیز ابراهیم‌گونه عمل کند و در راه خدا سختی‌ها را هاجروار به جان بخرد و چون ابراهیم همه آنچه را عزیز می‌دارد، برای خدا قربانی کند و مانند اسماعیل راهی قربانگاه عشق شود.

میقات یا وعدگاه، جای احرام بستن حاجیان است که باید در آنجا لباس یک رنگی را پوشید و از تمایز و تفاوت دوری کرد؛ «باید بیرون رفتن از دنیا هنگام مرگ و رفتن به

وعدگاه روز قیامت و احوال و باز خواست‌های آن را به یاد آورد و از نگرانی و تشویش راهزنان ترس و بیم نکیر و منکر و از درندگان بیابان‌ها و مارها و کژدم‌های آن مارها و کژدم‌ها و کرم‌های گور را متذکر شود و از تنهایی و جدایی از خانواده و نزدیکان خود تنهایی و وحشت قبر و اندوه و دل‌گیری آن را به خاطر آورد و باید از این ترس‌ها که در اعمال و اقوال وی هست، توشه‌ای برای ترس‌های گور فراهم کند.» (نراقی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۸۶).

آنچه در میقات سزاوار است به آن توجه شود این است که: چون به میقات رسد و جامهٔ احرام پوشد، باید به یاد پوشیدن کفن افتد و متذکر زمانی شود که او را به آن خواهند پیچید و ناگزیر با آن جامه خدا را ملاقات خواهد کرد... و چون احرام بست و تلبیه (لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ) گفت، باید بداند که احرام و تلبیه اجابت ندای خداوند است و باید به قبول شدن آن امیدوار و از رد شدن آن ترسناک باشد و چون در میقات آواز مردمان از روی بیم و امید به تلبیه بلند شود، باید به یاد آرد که این اجابت ندای خدای تعالی است که فرموده است: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا...﴾ (حج: ۲۷) و از این ندا باید ندای خلق را به هنگام دمیدن صور و بر آمدن ایشان را از گور، و جمع شدن آنان را در عرصات قیامت که اجابت ندای پروردگار است، یاد کند که بعضی مقبول و مقرب و بعضی مردود و مطرودند و در آغاز کار همانند حاجیان در میقات میان بیم و امیدند که نمی‌دانند اتمام حج و قبول آن برای ایشان میسر می‌شود یا نه (نراقی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۸۸).

حضور در منا

چون به منا رسی، تمنای هرچه از برای تو حلال نیست از دل بیرون کن و در عرفات، اعتراف به تقصیرات خود کن و عهد یگانگی خدا که در نزد تو است تازه ساز و در هنگام ذبح قربانی، حلقوم هوا و هوس و طمع را قطع کن و در وقت انداختن جمرات، شهوات نفسانی و حساست و دنائت و صفات ذمیمه را از خود بینداز و چون سر خود را تراشی همهٔ عیوب باطنیه و ظاهریه را از خود بتراش و چون در حرم خدا داخل شوی و پا به خانهٔ خدا نهی در کنف امان الهی و ستر و حفظ او داخل شو و تعظیم

صاحب خانه و جلال و عزّت او را در دل خود ثابت کن و در استلام حجر به جهت عظمت و سلطنت او خاضع شو و چون طواف وداع کنی ماسوای خدا را وداع کن و چون به صفا رسی باطن و ظاهر خود را از برای لقای الهی صاف کن و در عهد و محبت خود ثابت بایست تا روز قیامت و بدان که: خدای - تعالی - حجّ را واجب نکرده و آن را نسبت به خود نداد و پیغمبر - ﷺ - شریعت مناسک را نیاورد مگر از برای اشاره کردن به مرگ و بعث و قبر و حشر و قیامت (نمازی، ۱۳۷۵، باب ۲۲، ص ۱۴۲).

ورود به حرم

هنگام ورود به مکه، آنگاه که چشم به خانه می‌افتد، باید عظمت خانه را در دل آورد و چنان تصور کرد که گویا خداوند خانه را می‌بیند و امیدوار شود که لقای خود را روزی او کند؛ چنانکه دیدار خانه خود روزی کرد و خدا را شکر گزارد که او را به خانه کعبه رسانید و در زمرة میهمانان خود در آورد و به یاد آورد که در قیامت همه خلائق امید و آرزوی دخول بهشت دارند (نراقی، بی تا، ج ۳، ص ۴۸۹).

طواف کعبه

هنگام طواف باید دل خود را از تعظیم و محبت و خوف و رجا آکنده سازد و بداند که در حال طواف، شبیه است به فرشتگان مقرب بر گرد عرش و بداند که مقصود، طواف دل است به یاد خداوند خانه، نه مجرد طواف تن به خانه، تا آغاز و انجام آن به ذکر او باشد؛ چنانکه آغاز و پایان طواف به خانه است. پس حقیقت طواف همانا طواف دل است به حضرت ربوبیت و خانه نمودار ظاهر است در عالم مشهود برای آن حضرت که به چشم دیده نشود و از عالم غیب است، و عالم ملک و شهادت نردبانی است به عالم ملکوت و غیب برای کسی که در بر او گشاده‌اند و آنچه رسیده است که بیت معمور در آسمان در مقابل خانه کعبه است و طواف فرشتگان به آن مانند طواف آدمیان است به این خانه، شاید اشاره به این مشابَهت باشد، و چون مرتبه بیشتر مردم از مثل آن طواف قاصر

است، ایشان را به تشبیه به فرشتگان به اندازه امکان امر فرمودند و وعده دادند که هر که خود را به قومی شبیه سازد از آنان است (نراقی، بی تا، ج ۳، ص ۴۹۰).

در کنار حبرالاسود

سزاوار است که هنگام بوسیدن حجر الاسود متذکر شود که آن به جای دست راست خداست در زمین و اشاره است به اینکه بندگان با پروردگار بیعت می کنند.

حضور در عرفات

و چون به مناسی از غفلت و لغزشهای خود بیرون رو، و آنچه برای تو حلال نیست و استحقاق آن نداری آرزو مکن، و در عرفات به خطا و تقصیر خود اعتراف کن، و عهد و پیمان یگانگی خدا را که نزد توست تازه ساز، و قرب او طلب کن.

مشعر شعور، منا و قربانی هوسها

«و در مزدلفه (مشعر) از خدا پروا دار، و چون به کوه مشعر بالا روی، بالا رفتن روح را به ملاء اعلیٰ به خاطر آر، و به هنگام قربانی حلقوم هوا و هوس و طمع را ببر، و در وقت انداختن سنگریزه ها (جمرات) خواهش های نفسانی و پستی و دنائت و رفتار و کردار نکوهیده و ناپسند را از خود بینداز و در هنگام سر تراشیدن عیوب ظاهری و باطنی خود را بتراش و برطرف کن. و در مروه خدا را از مروّت غافل مباش که از اوصاف خود فانی شوی، و بر شروط حج خود مستقیم و پایدار باش و به عهد و پیمانی که با پروردگار خود بسته ای وفا کن و بر آن تا روز قیامت ثابت قدم باش. پیغمبر ﷺ هیچ سنت و عملی را در اثنای مدّت مناسک حج به ترتیب آن مقرر نفرمود مگر برای آمادگی و اشاره به مرگ و احوال قبر و زنده شدن مردگان و احوال قیامت، و بیان احوالی که بهشتیان و دوزخیان پیش از دخول بهشت و جهنم دارند به مشاهده کردن مناسک حج از آغاز تا انجام، البتّه برای خردمندان» (نراقی، بی تا، ج ۳، ص ۴۹۶).

نگاه نراقی به حرم نبوی و بقیع شریف

ملا مهدی نراقی از جمله فقیهانی است که حرم نبوی و دیگر بقاع متبرکه را پیش از تخریب زیارت کرده و آن را به خوبی ترسیم نموده است، او زیارت قبور پیامبر ﷺ و ائمهٔ بقیع را از بزرگترین اعمال عبادی بر شمرده، می‌فرماید: اخباری که در فضیلت زیارت پیغمبر و ائمهٔ علیهم‌السلام وارد شده بسیار و بی‌شمار است. پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«هرکه قبر مرا بعد از وفاتم زیارت کند، مانند کسی است که در حیات من به‌سوی من هجرت کند، پس اگر این را نتوانید به من سلام فرستید، که سلام شما به من می‌رسد.»

و به امیر مؤمنان علی فرمود:

«یا ابا الحسن، خدای تعالی قبر تو و قبر فرزندان تو را خانه‌ای از خانه‌های بهشت و عرصه‌ای از عرصه‌های آن قرار داد و دل‌های برگزیدگان بندگان خود را مایل به شما ساخت تا خواری و ادبیت در راه شما را تحمل کنند، و قبور شما را آباد سازند، و برای تقرب به خدا و دوستی رسول او به زیارت آنها آیند. یا علی، آنان به شفاعت من مخصوص‌اند و بر حوض من وارد می‌شوند، و ایشان‌اند زائران من و همسایگان من فردا در بهشت. یا علی، هرکه قبرهای ایشان را تعمیر و نگهداری کند، مانند کسی است که سلیمان پسر داود را بر ساختن بیت المقدس یاری کرده و هرکه قبور شما را زیارت کند معادل است با هفتاد حج بعد از حجة الاسلام (حج واجب)، و از گناهانش بیرون آید تا بازگشت از زیارت شما مانند روزی که از مادر متولد شده. بشارت باد تو را، و بشارت ده دوستان خود را به نعمت‌هایی که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و به خاطر هیچ انسانی خطور نکرده است.» (نراقی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۹۸).

آنچه زائر هنگام دخول مدینه منوره باید بجا آورد

علامه نراقی در آداب زیارت ائمهٔ بقیع می‌نویسد: «چون فضیلت زیارت ایشان و راز آن را شناختی و بزرگی قدر و جلالت شأن ایشان را دانستی، سزاوار است که در هنگام دخول در شهرها و مرقد‌های منور و مشهدهای مکرم ایشان تواضع و فروتنی و شکستگی نمایی و در دل خود عظمت و جلال ایشان را حاضر کنی و حق عظیم و سعی ایشان در ارشاد مردم و بلند آوازه کردن کلمهٔ الله را بشناسی و متذکر شوی. پس چون به نزدیک

مدینه منوره رسی و چشم تو بر دیوارهای آنجا افتد، به یاد آر که این شهری است که خدا برای پیغمبر خود ﷺ برگزیده، و هجرت او را به سوی آن قرار داده و در این شهر است که پیغمبر ﷺ واجبات و سنتهای پروردگار خود را مقرر و برپا داشته و با دشمنان او جهاد کرده و دین او را در آنجا آشکار ساخته و تا هنگام وفات در آنجا ساکن بوده و خداوند خاک پاک او را در آنجا قرار داده است. و هنگام رفت و آمد در کوچه و بازار، آن گام‌های همایون رسول الله ﷺ را در خاطر خود صورت بند و به یاد آر که هیچ موضعی نیست مگر اینکه جای قدم گرامی اوست.

پس پای خود بر آن منه مگر آهسته و آرام و با ترس و بیم، و متذکر باش راه رفتن و گامزدن آن حضرت را در کوچه‌های آن و سکینه و وقار او را و خضوع و تواضع او را درباره عظمت پروردگار و آنچه را که خداوند از معرفت عظیم و ذکر رفیع خود به قلب نورانی او سپرده، تا آنجا که نام او را با نام خود قرین ساخته و کلام عزیز خود را بر او نازل فرموده و روح الامین و دیگر فرشتگان مقرب را بر او فرود آورده و عمل هر که را که حرمت او نگاه ندارد، و لو به بلند ساختن آواز خود بالای آواز او، باطل گرداند. و یاد آور نعمت و منت بزرگ خدا را بر کسانی که شرف صحبت او دریافتند و به سعادت دیدار جمال او و شنیدن سخنان دلنشین او نایل شدند و تأسف خور از اینکه این نعمت بزرگ نصیب تو نگشت و به درگاه الهی تضرع کن که از صحبت آن حضرت در آخرت محروم نشوی، و به اجابت این دعای خود امیدوار باش، از آن رو که خدا ایمان را روزی تو ساخته و تو را از وطن خود با شوق و محبت برای زیارت او روانه و گسیل کرده است. و چون به مسجد آن حضرت در آمدی، به یاد آر نخستین موضعی که فرایض الهی در آن به پا داشته شده، آنجاست و آن جایگاه افضل خلق خدا در حیات و ممات است. و بسیار امیدوار باش که خداوند به دخول خاشعانه تو در آن مکان مقدس بر تو رحم کند و چقدر شایسته آن مکان است که خواستار خشوع از دل هر مؤمنی باشد (نراقی، بی تا، ج ۳، ص ۵۰۱).

چون به زیارت او آمدی، سزاوار است که در پیشگاه او خاضع و خاشع و با پروا بایستی و او را در حالی که زنده می‌انگاری زیارت کنی و به قبر او نزدیک مشوی مگر چنانکه نزدیک آن بزرگوار در حالی که زنده است می‌روی؛ زیرا میان ممات و حیات او

فرقی نیست و اگر در دل خود پریشانی و پراکندگی بیابی ایمانت تمام نیست و باید بدانی که او به حضور و ایستادن و زیارت تو عالم است و سلام و صلوات تو به او می‌رسد. پس صورت بزرگوار او را در خیال خود مصور ساز و چنان تصور کن که در مقابل تو بر تخت عظمت نشسته و رتبهٔ عظیم او را در دل خود حاضر کن.

و در روایتی وارد شده است که: خدای تعالی فرشته‌ای را بر قبر او گماشته تا سلام هر یک از امت او را که بر او درود فرستد به او برساند و این در حق کسی است که نزد قبر او حاضر نیست، پس چگونه خواهد بود نسبت به کسی که خانواده و وطن خود را ترک کرده و به شوق دیدار او بیابانها پیموده و به مشاهدهٔ مشهد منور او قانع و خرسند گشته؛ زیرا از مشاهدهٔ طلعت نورانی و جمال تابناک و چهره بزرگوار او محروم است و خود آن حضرت عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

هرکه یک بار بر من درود فرستد، ده بار بر او درود می‌فرستم». و این پاداش برای سلام و درود فرستادن به زبان است. پس چگونه خواهد بود هر گاه خویشتن برای زیارت او حاضر باشد؟ (نراقی، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۰۲).

چون از زیارت او فارغ شوی، به نزد منبر رو و دست خود را بر آن بکش و روی و چشم خود را بر آنها بسای و به خدا تضرع و زاری کن و حاجت خود را مسألت نما و بالا رفتن پیغمبر عَلَيْهِ السَّلَام را بر منبر تصور کن و در دل خود طلعت نورانی او را مصور ساز که حضرت بر منبر ایستاده و مسلمانان از مهاجران و انصار به جمال مبارک او چشم دوخته و او با فصیح‌ترین کلمات و عبارات خدا را ستایش و سپاس می‌گویند و مردم را بر طاعت او برمی‌انگیزد و از خدا درخواست کن که در قیامت تو را از او جدا نکند و در جوار او جای دهد و منزلی نزدیک خانه او عطا فرماید» (همان).

نتیجه

حج یک عمل دینی است که علمای بزرگ دین در مورد ابعاد و مسائل مختلف آن؛ از جمله مناسک، احکام و فلسفه و دیگر آثار تربیتی حج، رسائل و کتب ارزشمندی از خود به جای گذاشتند؛ یکی از صدرنشینان مسند اخلاق عملی، ملا مهدی نراقی است که

اثر او در زمان خود، یگانه اثر اخلاقی بود. او در مورد اهمیت و ثواب این سفر معنوی، روایات زیادی از ائمه معصوم علیهم السلام نقل کرده و نتایج معنوی این سفر را با چکامه خود تلطیف نموده است.

ملا مهدی نراقی که در حوزه کاشان و اصفهان از برترین اساتید علوم عصر؛ از جمله علم هیأت بهره برده و سعی می‌نماید قدرت لایزال الهی را با چشم دل به خواننده و مخاطب خود نشان دهد، حج را به میدان عشق بازی تبدیل کرده و تمام اعمال و مناسک آن را نمود و نمادی از دلدادگی بنده در برابر معبودش ترسیم کرده است. او در آثار پرارزش خود؛ از جمله مناسک مکّه، جامع السعادات به ابعاد عرفانی، عبادی، تربیتی و سیاسی حج پرداخته و حرم نبوی و دیگر بقاع متبرک را پیش از تخریب، زیارت کرده و آن را به خوبی ترسیم نموده و زیارت قبور پیامبر و ائمه بقیع علیهم السلام را از بزرگترین اعمال عبادی برشمرده است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. اباذری، عبدالرحیم، ملا مهدی نراقی منادی اخلاق، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اوّل، ۱۳۷۲ ش.
۳. آشتیانی، سید جلال الدین، منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، چاپ دانشگاه مشهد، ۱۳۵۸ ش.
۴. تنکابنی، میرزا محمد، قصص العلماء، تهران، علمیه اسلامیة، بی تا.
۵. جمعی از مؤلفان، گلشن ابرار، کوثر، قم، بی تا.
۶. حر عاملی، محمد حسن، وسائل الشیعه، تهران، المكتبة الاسلامیه، بی تا.
۷. الدجیلی، حسن، الفقها حکام علی الملوک، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۱ق.
۸. زمانی، علی، «نراقیان ستارگان درخشان سپهر نجوم»، مجموعه مقالات کنگره فاضلین نراقی، تهران، ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱ ش.
۹. غفاری کاشانی، ابوالحسن، گلشن مراد، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، زرین، تهران، ۱۳۶۹ ش.

۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۳ق.
۱۱. مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانة الادب، تهران، علمی، ۱۳۶۹ش.
۱۲. ملکی تبریزی، آقا میرزا جواد، المراقبات، قم، دارالمثقف المسلم، ۱۳۶۳ش.
۱۳. نراقی، ملا احمد، تذکرة الأحباب، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۳ش.
۱۴. نراقی، ملا احمد، عوائد الایام، ملا احمد نراقی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۱۵. نراقی، ملا محمد مهدی، انیس التجار، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۳ش.
۱۶. نراقی، ملا محمد مهدی، انیس الموحدين، مقدمه از محمد علی قاضی طباطبایی، تبریز، ۱۳۵۱ش.
۱۷. نراقی، ملا محمد مهدی، تحفه رضویه، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۴ش.
۱۸. نراقی، ملا محمد مهدی، جامع السعادات، اعلمی، بیروت، چاپ چهارم، بی تا.
۱۹. نراقی، ملا محمد مهدی، جامع السعاده، ترجمه ملا احمد نراقی، معراج السعاده، تهران، انتشارات جاویدان، بی تا.
۲۰. نراقی، ملا محمد مهدی، شرح الالهیات من کتاب الشفاء، به اهتمام مهدی محقق، مقدمه از حسن نراقی، قم کنگره بزرگداشت محققان نراقی، ۱۳۸۰ش.
۲۱. نراقی، ملا محمد مهدی، علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات)، سید جلال الدین مجتوی، حکمت، تهران، ۱۳۷۷ش.
۲۲. نزایی، عبدالحسین، اثر آفرینان زندگی نامه نام آوران فرهنگی ایران از آغاز تا سال ۱۳۰۰ش، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰ش.
۲۳. نعمه، عبدالله، فلاسفة شیعه، ترجمه جعفر غضبان، آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۷ش.
۲۴. نمازی، عبدالنبی، مصباح الشریعة فی شرح تحریر الوسیله، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران، ۱۳۷۵ش.
۲۵. نوری طبرسی، حاج میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۲۶. وحید بهبهانی، علی دوانی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲ش.
۲۷. ورعی، سید جواد، «حج در آثار فاضلین نراقی»، میقات حج، - سال دهم - شماره سی و نهم - بهار ۱۳۸۱ش.